

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هدف از آمدن انسان به دنیا

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ النَّسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

سوگند به عصر که واقعا انسان دستخوش زیان است مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای

شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده‌اند

در جلسه قبل فهمیدیم که خداوند احاطه به تمام عالم از جمله انسان دارد و انسان بذر (لا اله الا الله) (ترجمه دقیق (نیست دلبری جز الله) را درون خود دارد و کارش در دنیا بارور کردن همین حقیقت است اگر دقت در ترجمه کنیم باید قلب و دل را که حقیقت انسان است را آباد کرد آبادی دل به حس حضور محبوب و دلدادگی به اوست اگر انسان در این دنیا به این هدف رسید عاقبت بخیری نصیب او شده و از سودای عمر به درستی استفاده کرده فقط باید دقت کرد خدایی که از را استدلال و الفاظ منتقل شود او خدای حقیقی نیست بلکه باید دل و احساس به میان بیاید و همانطور که در آیه سوره مبارکه عصر دقت کردین بعد از قسم به سرمایه انسان (عمر) بیان می کند که فقط در صورت دستیابی به ایمان و عمل صالح تو ای آدمی نجات پیدا کرده ای از زندان محدودیتها. چون ایمان مربوط به بعد قلبی و احساسی اوست.

ترجمه دقیق آیه (قسم به عصر و زمان همه انسانها در حال زیانند) چون در حال دادن سرمایه (عمر) هستند مگر عاشقان و....

با مدعی مگوئید اسرار عشق و مستی
تا بی خبر بمیرد در درد خودپرستی
عاشق شو ار نه روزی کار جهان سرآید
ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی

که البته اگر انسان به این موفقیت رسید تمام عالم هستی از جمله انسانها را جان خود دانسته و نسبت به آنها حساس و به دنبال حل مشکلات آنها خواهد شد و هدف نهایی او وصل کردن دیگران به محبوب می شود.

لسان الغیب حافظ که خود جزء عاشقان این مسیر است می سراپید:

مرا عهدیست با جانان که تا جان در بدن دارم

هواداران کویش را چو جان خویشتم دارم